

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون راهبری
ربای لرد جاناتان ساکس



با سپاسگزاری از بنیاد خیریه موريس ول برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

افق دور: بو

The Far Horizon: Bo 5781

برای فهم درس بینظیر رهبری در پاراشای این هفته اغلب از مخاطبانم می خواهم که این آزمایش فکری را انجام دهند: تصور کنید شما رهبر قومی به بردگی رفته و زیر ستم هستید که بیش از دویست سال از غربت رنج کشیده است. اینک پس از چندین معجزه قرار است آزاد شود. آنها را گرد می آورید و برمی خیزید تا با آنها سخن بگویید. آنها در انتظار گفتار شما هستند. این لحظه ای تعیین کننده است که هرگز فراموش نخواهند کرد. با آنها از چه سخن خواهید گفت؟

بیشتر آدم ها چنین پاسخ می دهند: از آزادی خواهیم گفت. این همان تصمیم آبراهام لینکلن بود، وقتی از "ملتئ نوین که از دل آزادی متولد شده بود" سخن گفت.¹ برخی می گویند که به مردم با سخن گفتن از مقصد پیش رو و سرزمینی که در آن شیر و عسل روان است، الهام خواهند بخشید.

¹ Abraham Lincoln, "The Gettysburg Address" (Soldiers' National Cemetery in Gettysburg, Penn., Nov. 19, 1863).

برخی دیگر می گویند که مردم را از خطرهای آگاه خواهند کرد که نلسون ماندلا آنرا "پیاده روی طولانی به سوی آزادی نامید".²

هر یک از اینها می توانند سخنرانی برجسته ای برای یک رهبر باشند. موسی با راهنمایی خدا هیچ یک از این موضوع ها را بیان نکرد. همین امر از او رهبری یگانه می سازد. با دقت به متن پاراشای بو خواهید دید که سه بار یک بن مایه را تکرار می کند: فرزندان، تعلیم و تربیت و آینده دور:

"و زمانی که فرزندان از شما بپرسند که این مراسم چه معنایی دارد؟ خواهی گفت: این قربانی پسح به پیشگاه خداوند است، زیرا او وقتی بر مصریان ضربت فرود آورد، از فراز خانه های بنی اسرائیل در مصر گذشت، ولی جان آنها را حفظ کرد. (خروج ۲۶-۲۷: ۱۲)

"و وقتی در زمان آینده فرزندان بپرسند این چه معنایی دارد؟ به آنها خواهی گفت: خداوند با دست قدرتمند خود ما را از مصر، خانه بردگی، خارج کرد." (خروج ۱۳: ۱۴)

این یکی از عجیب ترین کارها در تاریخ رهبری است. موسی درباره امروز یا فردا سخن نگفت. او پیرامون آینده ای دور و وظیفه والدین برای تربیت فرزندان خود صحبت کرد. او حتی بنا به نظر حکیمان تلمودی این پیام را رساند که ما باید فرزندان خود را تشویق به پرسشگری کنیم و وظیفه سینه به سینه انتقال دادن میراث یهودی یک کار آموزشی ساده نیست، بلکه نیازمند گفتگوی فعال میان والدین و فرزندان است.

بدین گونه، یهودیان به مردمی در تاریخ تبدیل شدند که بقای خود را مشروط به تعلیم و تربیت می بینند. مقدسترین وظیفه والدین، آموزش فرزندان بود. پسح تبدیل شد به سمیناری مداوم برای یادآوری تاریخ. یهودیت تبدیل شد به دینی که قهرمانان آن معلمان بودند و خواست پرشور آن آموختن و حیات فکری شد.

² Nelson Mandela, *Long Walk to Freedom: The Autobiography of Nelson Mandela* (Back Bay Books, 1995).

مردمان بین النهرین، زیگورات ها [بناهای عظیم باستانی] را ساختند. مصریان اهرام را بنا کردند. یونانیان پانتئون را ساختند. رومیان کلوسیوم را بنا کردند. به این دلیل است که در میان همه تمدن های باستان دنیا فقط یهودیان هنوز زنده و نیرومند مانده اند و هدف های نیاکان و میراث خود را سالم و دست نخورده محافظت می کنند.

بصیرت موسی ژرف بود. او می دانست که نمی توان دنیا را تنها با امور خارجی، بناهای عظیم، یا ارتش ها و امپراتوری ها یا استفاده از زور و قدرت تغییر داد. چه امپراتوری هایی که آمده و رفته اند، اما شرایط انسان ها تغییر نکرده و بهبود نیافته است؟

تنها یک راه هست برای تغییر دنیا و آن تعلیم و تربیت است. باید به فرزندان اهمیت عدالت، صداقت، احسان و همدردی را بیاموزی. باید به آنها یاد دهی که آزادی فقط از راه قوانین و عادت های خودداری تضمین می شود. باید مدام به آنها درس های تاریخ را یادآور شوی: "ما بردگان بودیم در مصر"، زیرا آنهایی که تلخی بردگی را فراموش کنند، سرانجام تعهد و شهادت در مبارزه برای آزادی را از دست می دهند. و تو باید فرزندان را تشویق به پرسشگری، چالش و جدل بکنی. باید به آنها احترام بگذاری اگر می خواهی که آنها ارزش هایی که تو پایبند هستی را محترم بدارند.

این درسی است که بیشتر فرهنگ ها هنوز پس از سه هزار سال نیاموخته اند. انقلاب ها، اعتراض ها و جنگ های داخلی هنوز اتفاق می افتند و مردم را وامی دارند که فکر کنند کافی است یک حکم ظالم را سرنگون سازند یا انتخاباتی دموکراتیک داشته باشند تا به فساد پایان داده، آزادی، عدالت و حاکمیت قانون را تضمین کنند. اما مردم همچنان وقتی چنین نمی شود، تعجب کرده، ناراحت می شوند. زیرا فقط چهره ها در راهروهای قدرت حکومتی تغییر کرده اند.

در یکی از مهمترین سخنرانی های قرن بیستم، قاضی برجسته آمریکایی به نام قاضی لرنر هند گفت:

اغلب از خود می پرسم آیا بیش از حد به قوانین اساسی، قانون ها و دادگاه ها امید بسته ایم؟ اینها امیدهایی کاذب هستند؛ حرف مرا باور کنید: اینها امیدهای کاذبند. آزادی در

قلب های مردان و زنان است؛ اگر در قلب ها بمیرد، هیچ قانون اساسی، قانون و دادگاهی نمی تواند آنرا نجات دهد؛ هیچ نهاد، قانون یا دادگاهی نمی تواند کمکی بکند.³

راهنمایی خدا به موسی این بود که چالش واقعی به دست آوردن آزادی نیست؛ بلکه حفظ آن و حفاظت از روح آزادی زنده در قلب های نسل های پی در پی است. این تنها می تواند از راه فرایند پایدار تعلیم و تربیت انجام شود. این فرایند چیزی نیست که بتوان آنرا به معلمان و مدارس واگذار کرد. بخشی از آن باید در درون خانواده و در خانه و از راه تعهدهای مقدسی که با دین می آید، انجام شود. هیچ کس تا کنون این واقعیت را به روشنی موسی ندیده و تنها به دلیل این آموزه ها است که یهودیان و یهودیت بقا داشته اند.

آنچه رهبران را با اهمیت می سازد این است که پیشاپیش فکر می کنند و نه فقط به فردا، بلکه به سال و دهه آینده نیز می اندیشند. رابرت اف کندی در یکی از بهترین سخنرانی هایش درباره قدرت رهبران در تغییر دنیا وقتی دورنمایی روشن از یک آینده ممکن داشته باشند، چنین گفت:

برخی گمان می کنند که که از یک مرد یا زن در برابر انواع شرهای دنیا از جمله فقر، نادانی یا بیعدالتی و خشونت انجام دهد، کاری ساخته نیست. اما بسیاری از بزرگترین جنبش های فکری و عملی دنیا از حاصل کار یک نفر شروع شده اند. یک راهب جوان، رهبر رفورم پروتستانیسم شد [مترجم فارسی: لوتر]، یک سردار جوان از مقدونیه امپراتوری بزرگی را تا اقاصا نقاط جهان گسترش داد [مترجم فارسی: اسکندر]، یک زن جوان، مرزهای قلمروی فرانسه را گسترش داد [مترجم فارسی: ژاندارک]. یک ایتالیایی جوان بود که دنیای نوین را اکتشاف کرد و توماس جفرسون سی و دو ساله اعلام کرد که همه انسان ها مساوی آفریده شده اند. این افراد دنیا را تکان دادند و ما نیز می توانیم چنین کنیم.⁴

³ Learned Hand, "The Spirit of Liberty" - speech at "I Am an American Day" ceremony, Central Park, New York City (21 May 1944).

⁴ *The Poynter Institute, The Kennedys: America's Front Page Family* (Kansas City, Mo.: Andrews McMeel, 2010), 112.

رهبری دوراندیش، بافت یهودیت و متون آنرا شکل داده است. کتاب امثال سلیمان بود که گفت: "مردم بدون دورنما [chazzon] از بین می روند" (امثال ۱۸:۲۹). این دورنما در ذهنیت انبیاء همواره دورنمایی بلند مدت بود. خدا به حزقیال گفت که نبی یک نگهبان است: کسی که به نقطه نظارتی بالاتر می رود که از آن بالا می تواند از دور خطر را ببیند و پیش از هر کس دیگر در کف زمین، نسبت نه آن آگاه است (حزقیال ۱-۶: ۳۳). حکیمان گفته اند: "چه کسی خردمند است؟ کسی که پیامدهای بلندمدت را ببیند [ha-nolad]."⁵

دو تن از بزرگترین رهبران قرن بیستم، چرچیل و بن گوریون همچنین تاریخ دانانی برجسته بودند. آنها با شناخت از گذشته می توانستند به آینده پیشدستی کنند. آنها مانند شطرنج بازهایی بودند که چون هزاران بازی را تجزیه و تحلیل کرده بودند بیدرنگ خطرها و امکان های هر حرکت مهره ها روی صفحه شطرنج را پیش بینی می کردند. می دانستند پس از هر حرکت چه اتفاقی می افتد.

اگر می خواهید در هر زمینه ای رهبر کارآمدی باشید، خواه والدین و خواه نخست وزیر، باید بلند مدت فکر کنید. هرگز گزینه آسان را چون راحت و ساده یا سریع است و به رضایت فوری می رسد، انتخاب نکنید. زیرا آخر سر بهای سنگینی خواهید پرداخت.

موسی بزرگترین رهبر بود، زیرا پیشاپیش همه به آینده فکر کرد. او می دانست که تغییر واقعی کار چندین نسل است. بنابراین، باید برترین الویت خود را به تعلیم و تربیت فرزندانمان بدهیم تا آنچه ما آغاز می کنیم، آنها دنبال کنند تا وقتی دنیا به دلیل تغییر ما تغییر کند. او می دانست که اگر برنامه یک ساله داری باید برنج بکاری. اگر برنامه ده ساله داری باید درخت بکاری. اگر برنامه موفقیت و برکت داری، فرزندی تربیت کن.⁶ درس موسی، سی و سه قرن بعد همچنان امروز معتبر است.

⁵ Tamid 32a.

⁶ A statement attributed to Confucius.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust